



## انکشاف جهان مکان در معماری مسکونی هورامان تخت (از منظر هستی شناسانه)\*

امیر کدخداحمدی<sup>۱</sup>، فریبرز دولت آبادی<sup>۲</sup>، هادی کابلی<sup>۳</sup>

۱۳۹۸/۰۷/۲۴

تاریخ دریافت مقاله:

۱۳۹۹/۰۲/۱۹

تاریخ پذیرش مقاله:

### چکیده

**بیان مسئله:** انسان برای سکنی گزینی و به تعبیر هایدگر باشیدن بایستی اقدام به ساختن و بناکردن نماید و با این عمل (ساختن)، جهان خود را در قالب مکان به تصویر کشیده و به آن ساختار می‌دهد. باشیدن در میان آسمان و زمین به معنی «استقرار یافتن» در «میانهای چیزها» است، یعنی عینیت بخشی وضعیت عمومی چونان مکانی انسان - ساخت. بر اساس تفکرات هایدگر، وجود آدمی زمانی می‌تواند معنادار باشد که انسان بتواند جهان را در قالب کلیتی از کیفیتهای واقعی (چهارگانه) در مکان انکشاف نموده و با محیط انس بگیرد در چنین حالتی است که به سکنی گزینی واقعی نایل می‌آید. با توجه به اینکه معماری تنها هنر ساختن می‌باشد، می‌تواند حقیقت مکان را در قالب چهارگانه گردآوری کرده و از طریق ساختن عینی سازد.

**سوال تحقیق:** این مقاله در قلمرو آراء پدیدارشناسانه‌ی هایدگر (از منظر هستی شناسانه) در پی انکشاف جهان مکان در معماری مسکونی هورامان تخت در قالب جواب به دو پرسش، (۱) آیا مکان هورامان تخت، جهانی را در خود جای داده است؟ و (۲) اگر جهانی را در خود جای داده، با چه زبانی می‌توان آن را خوانش کرد؟ می‌باشد.

**اهداف تحقیق:** موضوع اصلی این پژوهش بررسی امکان دستیابی به حقیقت اصیل مکان و سکنی گزیدن در قالب انکشاف جهان در معماری مسکونی هورامان تخت می‌باشد. به نظر می‌رسد هورامان تخت مکانی مقدس است که مفهوم خود را از آسمان گرفته و بر زمین می‌نشاند و بواسطه ساختن و ایجاد مکان، انسان را به اندیشیدن واداشته و جهان مردمان هورامان را در قالب چهارگانه (زمین، آسمان، زمینیان و آسمانیان) عیان می‌سازد.

**روش تحقیق:** پژوهش در حوزه‌ی روش شناسی، در دو حوزه‌ی کیفی و تفسیری - تاریخی قرار می‌گیرد. رویکرد کیفی، ریشه در پارادایم‌های تفسیری و انتقادی دارد، پژوهشگران کیفی معتقدند دنیا هیچ هستی جداگانه‌ای از فرد ندارد و هدف اصلی‌شان درک معنای است که افراد به زندگی روزمره خود می‌دهند. حوزه‌ی تفسیری پارادایم «ساخت گرا» بوده که بر پایه تفسیر و تفهیم‌اند. هایدگر، فهم را وجهی از زمینه وجودی دانست که سرچشمه‌ای تاریخی و فرا تاریخی دارند. این سرچشمه به عنوان پیش فهم، هرگونه فهم ما را در امروز، شکل می‌دهد.

**مهم ترین یافته‌ها و نتیجه گیری:** یافته‌های این پژوهش می‌تواند زمینه دگرگونی در ساختارهای امروزی مکان را فراهم آورده و مقدمات فراهم سازی حقیقت مکان را در جهت سکنی گزینی واقعی و ایجاد معنا شکل دهد. معماری هورامان تخت، صورت ویژه‌ای از تصویر جهان است، تصویری از محیط که زندگی در آن «روی می‌دهد» را نه به شکل انتزاعی بلکه در پیکربندی شاعرانه و قابل دریافت، حاضر می‌سازد.

### کلمات کلیدی: پدیدارشناسی، معماری مسکونی هورامان تخت، هستی شناسی، مکان، جهان، چهارگانه

۱- پژوهشگر دکتری معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران غرب. Amir33n@yahoo.com

۲- استادیار و عضو هیئت علمی گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران غرب. نویسنده مسئول. f\_dolat@yahoo.com

۳- استادیار و عضو هیئت علمی گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دماوند. hadikaboli@gmail.com

\* این مقاله برگرفته از رساله دکتری امیر کدخداحمدی تحت عنوان «خوانش پدیدارشناسی معماری مسکونی هورامان تخت از منظر هستی شناسی» می‌باشد که به راهنمایی دکتر فریبرز دولت آبادی و مشاوره دکتر هادی کابلی در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران غرب در حال انجام است.

## ۱- مقدمه

نگاه انسان امروزی به پدیده مکان همچون امری کمی و انتزاعی و عدم تفاوت بین مکان‌های متفاوت، باعث شده تا زندگی‌ش فاقد بارمعنایی گردیده و از این‌رو هویت و بدنال آن ارتباط با جهان خویش و مشارکت اجتماعی خود را از دست دهد و سرگشته و بی‌خانمان گردد، زیرا دیگر متعلق به کلیتی معنادار نیست و ارتباط با جهان به ارتباطی انتزاعی، از هم گسیخته و دور از واقع استحاله یافته است (پرتوی، ۱۳۹۲: ۲۱۹). این درحالی است که در گذشته خلق مکان صرفاً جنبه ساختاری نداشته، بلکه بار معنایی را نیز هویدا می‌کرد و جهانی را فراهم می‌آورد. جهان افق معنایی دوران پیدایش اثر است. هر اثر، جهانی را بر ما می‌گشاید. هر اثر هنری نشان می‌دهد که راه‌های بنیادین فهم هستی و تقدیر تاریخی هر قوم و ملت چه بوده است (احمدی، ۱۳۹۶: ۷۰۴). مکان‌ها، زندگی و اشیاء در گذشته با همدیگر در تعامل بودند و جهان انسان را می‌ساختند و انسان‌ها نسبت به محیط خود احساس تعلق داشته و محیط برای آن‌ها دارای هویت بود و لذا به عنوان گستره‌ای از کیفیت‌ها و معانی تجربه می‌شد، و بر این اساس است که پدیدارشناسان ساختمان‌ها را همچون یک زیست جهان مطالعه می‌کنند (seamon, 2017: 253). ارتباط در هم تنیده بین انسان و محیط، پایه‌های لازم را برای مشارکت جمعی و سهیم شدن در جهانی مشترک را فراهم می‌نمود (پرتوی، ۱۳۹۲: ۲۱۸).

در چنین شرایطی برای پیدا کردن حقیقت مکان و ارتباط آن با هستی آدمی به سراغ فیلسوفی می‌رویم که دیدگاه او درباره‌ی مکان از مفاهیم کمی فاصله گرفته و مکان را برحسب نسبت آن با هستی و نحوه‌ی وجود آدمی بررسی کرده‌است. «هارتین هایدگر» در مطالعات هستی‌شناسانه‌ی خود نه تنها مکان را امری ذهنی نمی‌انگارد بلکه آن‌را در نسبت با وجود مورد تامل قرار می‌دهد (صافیان و انصاری، ۱۳۹۳: ۵۸). در اندیشه‌ی او، وجود آدمی زمانی می‌تواند معنادار باشد که انسان بتواند جهان را در قالب کلیتی از کیفیت‌های واقعی (چهارگانه) در مکان انکشاف نموده و با محیط انس بگیرد در چنین حالتی است که به سکنی‌گزینی واقعی نایل آمده است. سکونت کردن

به معنی بودن انسان در میان چهارگانه‌ی آسمان، زمین، آسمانیان و زمینیان است، یعنی در صلح به سر بردن با این چهارگانه (Heidegger, 1971: 149).

هدف اصلی این پژوهش بررسی امکان دست‌یابی به حقیقت اصیل مکان و سکنی‌گزیدن در قلمرو آراء پدیدارشناسانه‌ی هایدگر (از منظر هستی‌شناسانه) در قالب انکشاف جهان در معماری مسکونی هورامان تخت می‌باشد. چنین امری پژوهش را در حوزه‌ی روش‌شناسی، در دو حوزه‌ی کیفی و تفسیری - تاریخی قرار می‌دهد. به نظر می‌رسد هورامان تخت بواسطه ساختن و ایجاد مکان، انسان را به اندیشیدن واداشته و جهان مردمان هورامان را در قالب چهارگانه (زمین، آسمان، زمینیان و آسمانیان) عیان می‌سازد.

اندیشیدن در خصوص معماری‌های این چنینی و انکشاف و برداشت حجاب از روی این حقیقت‌ها در چارچوب پاسخ به دو پرسش زیر، می‌تواند چراغ راهی برای طراحان و پژوهشگران در جهت توجه و بکارگیری این حقایق در تولید مکان‌های جدید باشد.

## ۲- پرسش‌های تحقیق

پرسش‌هایی که این پژوهش به دنبال یافتن پاسخ به آنها در چهارچوب فلسفه پدیدارشناسی هایدگر می‌باشد به شرح زیر است.

۱) آیا مکان در هورامان تخت، جهانی را در خود جای داده است؟

۲) اگر جهانی را در خود جای داده، با چه زبانی می‌توان آن را خوانش کرد؟

## ۳- فرضیه تحقیق

نظر به اینکه فرضیه در چهارچوب پژوهش‌های علمی و بر اساس روش‌های استقرائی قابل تعریف است و با توجه به اینکه پژوهش حاضر در حوزه‌ی فلسفه پدیدارشناسی (هرمنوتیک) که براساس فهم اصول بنیان‌های هستی‌شناسانه می‌باشد، و بر این اساس روش آن قیاسی بوده و بر پایه مفروضات پایه‌ای شکل می‌گیرد، لذا پژوهش خارج



از روابط علت و معلولی روش‌های علمی بوده و به نظر می‌رسد پژوهش نیازی به ارائه فرضیه ندارد.

#### ۴- پیشینه تحقیق

در حوزه (اندیشه‌ی پدیدارشناسی) پیرامون مباحث انکشاف جهان و پدیده مکان در معماری می‌توان به آراء و نظرات اندیشمندان زیر اشاره کرد:

- کریستین نوربرگ-شولتز از مدافعان بزرگ پدیدارشناسی در معماری، معتقد است که معنا نیاز بنیادین انسان است و آدمی با «ساختن»، معناها را آشکار می‌کند (شولتز، ۱۳۹۳: دو). به اعتقاد او معماری به عنوان هنر مکان هنر کلیت‌ها است. هدف از آن ارائه‌ی «تصویری‌هایی از جهان» است، تا با ایجاد برهم‌کنش میان آن‌ها معنای چیزها آشکار گردد؛ همین چیزهایی که پیرامون ما را فرا گرفته‌اند و خود بر هم‌کنش را چونان بازنمایی محلی/موضعی از معناسازی‌های جهانی بر می‌شمارند. هنگامی که هنر مکان موقعیتی را به حضور در می‌آورد، آنچه پنهان و متلاطم بوده خود را به تحقق می‌رساند و روشنی می‌بخشد (شولتز، ۱۳۹۱: ۲۴۳-۲۴۱).

- نگرش کریستوفر الکساندر نیز مبتنی بر شکل‌گیری تمامیت ویژه‌ای در معماری و حاصل گردهم آمدن عوامل موجود در یک عالم است (طهوری، ۱۳۹۶: ۸۴). او در کتاب معماری و راز جاودانگی با تأکید بر اینکه «هرکدام از ما، در گوشه‌ای از قلب خود آرزوی ساختن جهان و عالمی زنده را جای داده است» (الکساندر، ۱۳۸۲: ۸)، بر لزوم آشنایی معماران با مفاهیم جهان و جهان بینی تأکید می‌کند و می‌نویسد برای نیل به ایجاد ساختمان‌های دارای حیات و نظم، نگاهی جدید به جهان امکان‌پذیر است که موجودیت‌های عالم را نه به صورت اجزاء و بخش‌های جدا از هم، بلکه در تمامیت آن می‌بیند و حیات را - حتی در شی‌ای به ظاهر بی‌جان مانند ساختمان - به صورت واقعی لمس می‌کند (الکساندر، ۱۳۹۴: ۲۱).

- آرا و نظریات لویی کان شباهت چشمگیری با تفکرات هایدگر دارد. پرسش مشهور او «ساختمان چه می‌خواهد باشد؟» به این معنا است که فضا می‌خواهد مکان حقیقی‌اش را بیابد و ظهور درخوری از نظم جاودان چیزها

باشد (تومبلی، ۱۳۹۶: ۲۳). او اثبات می‌کند که معماری معتبر و با معنا مبتنی بر ترکیب " نشانه‌ها"ی مدون یا "کهن‌الگوها" نیست، بلکه عبارت است از آشکار ساختن فضامندی زیست - جهان (شولتز، ۱۳۸۲: ۱۲۲).

- آثار پیتر زومتور - معمار معاصر سوئیسی - که تحت تأثیر فلسفه هایدگر شکل گرفته، همواره جهانی را در مکان به حضور آورده‌اند. تأکید زومتور همواره بر جنبه‌های احساسی تجربه‌ی معمارانه است. از دیدگاه او، خواص فیزیکی مصالح و تنوع بخشیدن به طراحی می‌تواند تجارب و افق‌های ساخته شده‌ی «مکان» را از طریق حافظه در قالب احیا خاطرات، رویاها و تجربیات گذشته احضار کند (زومتور، ۱۳۹۴: ۱۱۷-۱۲۰).

#### ۵- روش تحقیق

رویکرد پژوهش حاضر از حیث روش‌شناسی، در دو حوزه‌ی کیفی و تفسیری - تاریخی قرار می‌گیرد.

رویکرد کیفی ریشه در پارادایم‌های تفسیری و انتقادی دارد، و پژوهشگران کیفی معتقدند دنیا هیچ هستی جداگانه‌ای از فرد ندارد و هدف اصلی‌شان درک معنای است که افراد به زندگی روزمره خود می‌دهند. ویژگی اصلی تحقیق کیفی با تأکید بر مکان طبیعی و محیط زندگی، ظرفیت آن برای دستیابی به کیفیت‌های غنی شرایط و محیط‌های زندگی است (گروت، ۱۳۹۲: ۱۹۹). در این روش موضوع مورد مطالعه از محیط زندگی روزمره و تعلقات مکانی و مؤلفه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقلیمی، تاریخی و غیره که پدیده مورد مطالعه در آن رخ می‌دهد جدا نمی‌شود و در شرایط طبیعی خود مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

حوزه‌ی تفسیری در پارادایم «ساخت‌گرا» بوده که بر پایه تفسیر و تفهیم‌اند. هایدگر، فهم را وجهی از زمینه وجودی دانست که سرچشمه‌ای تاریخی و فراتاریخی دارند. این سرچشمه به عنوان پیش فهم، هرگونه فهم ما را در امروز، شکل می‌دهد (پرتوی و باقریان، ۱۳۹۵: ۱۹).

تلفیق این دو حوزه در پژوهش به این دلیل است که جنبه‌های حوزه‌ی تفسیری-تاریخی در قالب پیش فهم که



امکان «درگیر شدن» با متن رویدادهای گذشته را فراهم می‌سازد، فهم امروز را در حوزه‌ی کیفی تقویت می‌کند (گروت، ۱۳۹۲: ۱۸۰).

## ۶- مبانی نظری

### ۶-۱- مفاهیم

#### ۶-۱-۱- جهان

جهان در تفکرات هستی شناسانه هایدگر جدا از انسان نیست و معنای خاصی دارد، جهان مجموعه‌ای از چیزهایی است که به حضور در می‌آیند. جهان حالت بنیادین هستی دازاین و کلیت یا شبکه‌ای از مناسبات ایزاری است که دازاین را به سوی امکانات، تصمیم و عمل و به طور کلی فزاینده خود استعلایی و برون خویشی‌اش فرا می‌خواند. جهان آن جای «آن جا هستی» (دازاین) است، به همین منوال انسان ذهنیت یا نفسی مستقل از جهان و محیط زیست نیست (جمادی، ۱۳۸۵: ۴۴۳). این در حالی است که فلسفه مدرن به دوگانگی انسان و جهان تاکید دارد و جهان را ناشی از خوردورزی و خردمندی آدمیان دانسته است و به گفته‌ی هایدگر به تدریج «کره زمین را در راستای تکنولوژی بسیج کرده است» (احمدی، ۱۳۷۷: ۱۰۵). و براین اساس جهان به منبع ذخیره انرژی تبدیل شده و انسان قادر است حداکثر استفاده و بهره‌وری را از آن داشته باشد.

تعلق مندی انسان به جهان، به او خصیصه نزدیک کنندگی (دوری‌زدایی)، جابه‌جایی و گردهم آوردندگی می‌دهد. هایدگر در فلسفه متاخرش، جهان را چهارگانه (چهارگانه) خواند (پرتوی و باقریان، ۱۳۹۵: ۲۲). گردآورندگی جهان مجموعه آن چیزهایی است که به حضور در می‌آیند و در قالب چهارگانه (زمین، آسمان، زمینیان و آسمانیان) خود را بر انسان منکشف می‌کنند، او می‌گوید «زمین سرچشمه‌ی نعمت، رشد، باروری، سرشار از آب و سنگ، منشاء گیاهان و حیوانات است... آسمان مسیر حرکت خورشید، مسیر ماه و اهله‌ی آن، جایگاه درخشش ستارگان، فصل‌های سال و دگرگونی‌های آنهاست، فلق و شفق روز، سیاهی و ظلمت شب، اعتدال و نامساعدی هوا، گردشگاه ابرها و ژرفای لاجوردی اثیر است... خدایان [آسمانیان] پیام‌آوران اشارت‌گر ربانیت‌اند.

خدا به واسطه‌ی قدرت قدسی‌اش در حضورش تجلی می‌کند، یا در نهان گاهش می‌نشیند... میرایان [زمینیان] آدمی‌اند، آنان میرا خوانده می‌شوند چرا که می‌توانند بمیرند، مردن یعنی توانایی مرگ به مثابه مرگ» (هایدگر، ۱۳۷۷: ۶۸۶۷). «هریک از این چارتایی همانی است که هست، چرا که آن سه دیگر را "منعکس می‌سازد"». آن‌ها همگی در این "بازی انعکاس آینه‌ای" که عالم را برقرار می‌کند، به یکدیگر متعلق‌اند (شولتز، ۱۳۸۲: ۶۴۶۵).

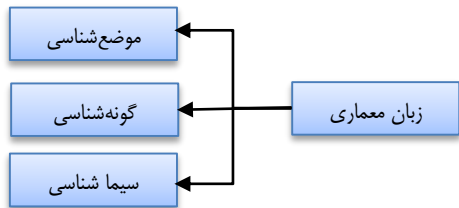
### ۶-۱-۲- مکان

واژه مکان از مباحث مهم و پیچیده در عرصه‌ی معماری می‌باشد و دارای ویژگی‌های منحصری می‌باشد، به باور اندیشمندان و نظریه‌پردازان به هر جایی نمی‌توان مکان گفت. در فرهنگ جغرافیایی آکسفورد، واژه مکان «یک نقطه‌ی خاص در سطح زمین، یک محل قابل تعریف و شناسایی برای موقعیتی که از ارزش‌های بشری اشباع شده» تعریف شده است (پرتوی، ۱۳۹۲: ۷۱). در لغتنامه دهخدا هم مکان صیغه‌ی اسم ظرف است مشتق از کون به معنای «بودن» و به معنای مطلق "جا" بودن، خود به معنای «وجود هستی» و «هستی داشتن» است (شاهچراغی و بندرآباد، ۱۳۹۴: ۲۶۰۰). در پدیدارشناسی، مکان به تنهایی قابل تعریف نیست و در ارتباط با انسان، زندگی و نوع هستی او (به واسطه ساختن) وجود و معنی پیدا می‌کند. مکان، «فضای زیسته» خوانده می‌شود؛ یعنی جایی که تهی نیست، جایی که سکنی‌گزینی را تجلی می‌بخشد و از هویت آکنده است (پرتوی، ۱۳۹۲: ۲۱۸).

انسان برای سکنی‌گزینی و به تعبیر هایدگر باشیدن بایستی اقدام به ساختن و بناکردن نماید و با این عمل (ساختن)، جهان خود را در قالب مکان به تصویر می‌کشد و به آن ساختار می‌دهد. باشیدن در میان آسمان و زمین به معنی «استقرار یافتن» در «میان‌های چیزها» است، یعنی عینیت بخشی وضعیت عمومی چونان مکانی انسان ساخت. باشیدن انسان در مکان (استقرار یافتن) منوط به عملکردها و اقداماتی است که مکان در جهت "نمایان سازی"، "تکمیل سازی" و "نمادین سازی" به عمل آورده و چیزی را به حضور می‌آورد، چیزی که هایدگر آن را حقیقت می‌خواند.



"گونه‌شناسی"، "سیماشناسی" و "موضوع‌شناسی" بیان



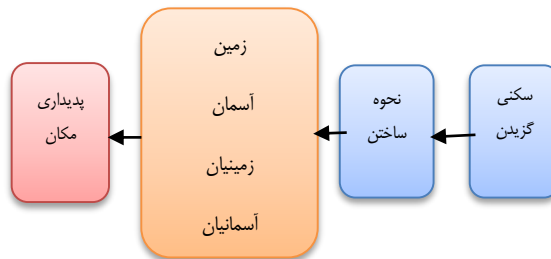
تصویر ۲. ساختار زبان معماری از نظر شولتز. مأخذ: نگارندگان

می‌کند (تصویر ۲) ( شولتز، ۱۳۸۱: ۴۰).

## ۶-۲- مبانی نظری

مبانی نظری تحقیق براساس تفکرات هایدرگر (در حوزه پدیدارشناسی هستی شناسانه) امکان بررسی عمیق تری از حقیقت مکان را در اختیار می‌گذارد. پدیدارشناسی هرمنوتیکی روشی بر پایه‌ی تفسیر هر گونه شی فیزیکی است که به نوعی با معنای انسانی مرتبط بوده و پژوهشگر باید راه‌هایی را برای کشف معنا از خود پدیده به دست دهد (seamon,2000:127). به اعتقاد هایدرگر وجود آدمی وجودی مکان‌مند است و اگر مکان را از او بگیریم به معنای آن است که وجودش را از او گرفته‌ایم (صافیان و انصاری، ۱۳۹۳: ۵۹). از دید هایدرگر پدیدارشناسی روشی است برای پرسش و اندیشیدن از هستی و هر آنچه جلو چشمان ما قرار داشته است. از منظر پدیدارشناسی، هیچ ارتباط دوگانه‌ای بین جهان و انسان وجود ندارد. و تنها صمیمیتی در هم تنیده و جدا نشدنی بین انسان و جهان وجود دارد (seamon,2013). «در پدیدارشناسی، نه انسان به طور تجریدی مورد بررسی قرار می‌گیرد، نه جهان، بلکه توجه اصلی به انسان - در- جهان<sup>۱</sup> معطوف است. بودن - در- جهان<sup>۲</sup> شاخصه‌ی اصلی هستی بشر و مؤید این واقعیت است که هر آنچه هست محیطی دارد(پرتوی ۱۳۹۲: ۴۹). بودن - در- جهان بدین معنا است که انسان از محیط خود جدا نیست و در آن غوطه‌ور می‌باشد. به عبارت دیگر می‌توان گفت نوعی وحدت و یگانگی غیر قابل تفکیک بین انسان‌ها و دنیای آن‌ها وجود دارد. این موقعیت همیشه داده شده و غیرقابل گریز، چیزی است که هایدرگر آن را دازاین<sup>۳</sup> یا وجود - در- جهان می‌نامد

در فلسفه هایدرگر - درانکشاف حقیقت - مکان، زمانی جهانی را درخود می‌نشانند که در کشاکش زمین و آسمان شکل گرفته باشد و حقیقتی را درخود گشوده می‌دارد و بر زمین مستقر می‌کند. از دیدگاه هایدرگر زمین قرارگاه عالمی است که هنر آن را ازکتم نامستوری به ظهور می‌رساند. جهان بدون زمین گشوده نمی‌گردد و مهم تر از آن ماندگار و برقرار نمی‌شود.



تصویر ۱. رابطه پدیداری مکان با سکنی گزیدن. مأخذ: نگارندگان

در فلسفه متأخر هایدرگر - در انکشاف جهان - هایدرگر مکان را جایگاه نشست چهارگهان دانست. زمین، آسمان، زمینیان و آسمانیان چهارگهان اند که برای مرئی کردن آن بایستی مکان ساخته شود. در اندیشه‌ی او هستی برای حضور نیازمند مکان است. او گوهر مکان را در ساختن برای باشیدن (اقامت کردن) می‌داند، با اقامت کردن در مکان است که چیزها بر پایه گوهری یگانه با هم پیوند و ارتباط می‌یابند (تصویر ۱). این پیوند و ارتباط همواره جهانی - پر معنا - را در مکان می‌نشانند (پرتوی و باقریان، ۱۳۹۵: ۲۲).

نوربرگ شولتز در ترجمان آراء هایدرگر به معماری، معماری را حاضرسازی جهان و فراهم سازی معنا می‌خواند که محل را به مکان تبدیل می‌کند، یعنی معنی‌های بالقوه‌ای که در محیط حاضرند، بر آدمی گشوده شود. زیرا از کارکردهای وجود، برملاکردن و گشودن است. هستی و وجود خاص آدمی در پی آن است که حجاب را از رخ سایر هستومندها برکشد و آن را در برابر خویش بگشاید (صافیان و انصاری، ۱۳۹۳: ۷۱). وی عناصر وجودی(حوزه/ مسیر/ مقصد) را در نشانیدن جهان در مکان، معنادار می‌داند. چنین امری هم مبنای انتظام بخشی و معنا بخشی به مکان بوده و هم به انسان در مکان، پایگاه وجودی می‌بخشد (پرتوی و باقریان، ۱۳۹۵: ۲۲). شولتز زبان معماری را در برپایی مکان‌های معنادار در سه واژه



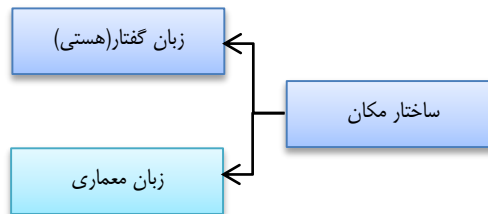
همان: ۴۹). اصطلاح دازاین به معنای تحت اللفظی مآنجا (یالینجا) در این جهان هستیم که به این معنی است که انسان همواره فهمی از هستی خود - در حالات، وضعیت‌ها و موقعیت‌ها - دارد (پرتوی و باقریان، ۱۳۹۵: ۲۱). دازاین به واسطه‌ی زبان بر عالم گشوده می‌شود. سخن گفتن به کشف خود دازاین و هستی چیزهای درون جهان می‌انجامد. بنابراین سخن گفتن آن وجه از وجود است که راه به سوی کشف جهان می‌برد و از طریق آن دازاین جهان دارد (صافیان و انصاری، ۱۳۹۳: ۶۱).

در هم تنیدگی انسان و جهان آغازگر بحث هایدگر در کتاب هستی و زمان است. سخن آغازین او بیانگر وجود موجودی است که جهان دارد و در جهان است. این عبارت بدان معنا است که انسان در جهان حضور داشته، جهان به نزد او حاضر است، این دلالت بر انفتاح و گشودگی این دو، به مثابه یک کل در هم تنیده و به هم پیوسته است. این در هم تنیدگی دو نگاه را در افکار هایدگر می‌نشانند:

- یکم: انسان به نسبت درهم‌تنیدگی و تعلق‌مندی‌اش به جهان است که توان و امکان گردهم‌آوردن چیزها را داشته و گرایش ذاتی در نزدیک کردن در او پدید می‌آید.

- دوم: درهم‌تنیدگی انسان و جهان هر دو را تاریخ‌مند می‌کند. تاریخ‌مندی یعنی بنیاد داشتن در گذشته یا ریشه داشتن در تاریخ است. تاریخ‌مندی انسان و جهان، هم از انفتاح و گشودگی‌شان به هم ناشی می‌شود و هم تعلق‌شان به مبدائی چون وجود برمی‌گردد که ریشه و بنیاد چیزهاست (پرتوی و باقریان، ۱۳۹۵: ۲۱).

انسان با بناکردن و ساختن روی زمین و هستی یافتن، جهان خود را در قالب گردآوری چهارگانه در چیزها فراهم می‌آورد و مکان پدیدار می‌گردد. ساختن مکان در واقع همان معماری است. معماری به عنوان هنر، حقیقت مکان را در کار می‌نشانند و این گونه هنر مکان می‌شود. این هنر



تصویر ۳، ساختار مکان در تفکر شولتز. مأخذ: نگارندگان

مفاهیم محیط را گردآوری کرده و از طریق ساختن عینی می‌کند (صافیان و انصاری، ۱۳۹۳: ۶۹). نکته‌ی قابل تأمل این است که هر ساختمانی به سکنی‌گزینی نمی‌انجامد. وقتی سکنی‌گزیدن حضور چهارگانه را در چیزها نگاه‌دارد، در واقع ساخته است (شولتز، ۱۳۸۱: ۱۲)، هایدگر معتقد است که رابطه‌ی انسان با فضا چیزی جز باشیدن (سکنی‌گزیدن) به معنای گوهرین آن نیست (هایدگر، ۱۳۸۱: ۷۶) و کیفیت سکنی‌گزیدن با کیفیت ساختن رابطه‌ی مستقیم دارد و ساختمان‌های برجسته و تاثیر گذار از «محافظتی» ناب برمی‌خیزند. محیط ساخته شده در واقع انعکاس نحوه‌ی در - جهان - بودن آدمی و دریافت او از جهان است. «بنا» به عنوان «چیز» جایی فراهم می‌آورد تا چهارگانه در آنجا وحدت یابند. با گردهم‌آوردن چهارگانه در یک جا «مکان» پدیدار می‌گردد؛ لذا بر پا شدن مکان با یگانگی و انجمن زمین، آسمان، زمینیان و آسمانیان حاصل می‌گردد.

کریستین نوربرگ-شولتز، معمار و نظریه پرداز نوژی، تفکرات هایدگر را وارد عرصه معماری کرد و معتقد بود که، معماری بیان نیت‌های انسان از وجود در این جهان است (شولتز، ۱۳۹۱: ۱۴). با توجه به اینکه معماری تنها هنر ساختن می‌باشد، می‌تواند حقیقت مکان را در قالب چهارگانه گردآوری کرده و از طریق ساختن عینی سازد. درواقع شولتز معتقد بود که ساختن مکان، موجب عینیت بخشی به فضای وجودی می‌شود. وجه ساختن معماری و جزئیات عینی آن، محیط را شرح می‌دهد و ویژگی‌های آن را برای انسان آشکار می‌کند (شاهچراغی، ۱۳۹۶: ۲۶۱). شولتز معتقد است که برای آشکارسازی جهان واجد اثر، ساختاری هماهنگ بین زبان معماری ناشی از ابزارهای معماری و زبان گفتاری ناشی از سکونتگاه‌های هستی بوجود آید (تصویر ۳). از دیدگاه او اگر ابزارهای معماری را چونان «زبان معماری» تعریف کنیم، مقصودمان چیزی فراسوی تمثیل‌های سطحی است. زبان گفتار - به رغم همه‌ی تفاوت‌ها و تنوع‌های فرهنگی‌ای که در آن وجود دارد - ساختار بنیادین مشترکی دارد که به تعبیر هایدگر «سکونتگاه‌هستی» است. این سکونتگاه ظرفیت آن را دارد که صورت‌های گوناگون آشکارگی‌های زیست جهان را به بیان درآورد. زیست‌جهان باید در قالب زبان معماری به



و خصلت را به بخشی از واقعیتی زنده تبدیل می‌کند که هر لحظه به مکانی ویژه یا روح مکان داده می‌شود (شولتز، ۱۳۸۸: ۵۲).

### ۳-۳-۶- سیما شناسی

"سیماشناسی" یا "مورفولوژی" به «چه‌گونگی» شکل مصنوع مربوط بوده و در هر یک از آثار منفرد معماری در قالب «تفصیل صوری» یا فرم معماری انجام می‌یابد و بر ترکیب محیط مصنوع با محیط طبیعی دلالت دارد. شکل مصنوع همواره در ارتباط با هستی بین زمین و آسمان یعنی ایستادگی، برخاست و گشودگی خود را بروز می‌دهد. «ایستادگی» و «برخاستن» به ترتیب مبین وابستگی به زمین و آسمان بوده و «گشودگی» به نفوذ متقابل در محیط، یعنی وجود ارتباط بین بیرون و درون ارجاع می‌گردد (شولتز، ۱۳۸۱: ۴۰). در مجموع، مشخصه‌ی یک فرم معماری توسط چگونگی «بودن» آن در میان زمین و آسمان تعیین می‌گردد (جدول ۲). واژه «فرم» در اینجا به «عناصر» شناخته شده‌ی یک ساختمان اشاره دارد؛

جدول ۱. مشخصه‌ی فرم معماری بر اساس نحوه‌ی ارتباط زمین و آسمان. ماخذ: نگارندگان

نحوه‌ی ارتباط زمین و آسمان در ارتباط با هستی	نمادها	مرزهای فضایی	نحوه‌ی بناکردن / ساختن
ایستادن	زمین	کف	اجرای پی / پی حجیم و گود ساختمان را به زمین می‌بندد اجرای دیوار / نما/ تاکید بر جهت عمودی به معنی آزاد سازی مصالح / بافت / رنگ
برخاستن / قیام کردن	آسمان	سقف	شکل بام
گشودن / گسترش یافتن	ارتباط زمین و آسمان / ارتباط با افق	دیوار	اجرای گشودگی‌ها / روزنه‌ها در دیوار / زمین و آسمان به دیدار هم می‌آیند و نحوه (هستی) آدمی بر زمین در این دیدار تجسم می‌یابد.

"کف"، "دیوار" و "سقف". (شولتز، ۱۳۸۲: ۱۱۰).

اجرا درآید و تحقق یابد. اکنون با فرض اینکه زبان گفتاری و زبان معماری به جهانی واحد بازمی‌گردند، نتیجه می‌گیریم که باید ساختارهای هماهنگ داشته باشند (صافیان و انصاری، ۱۳۹۳: ۶۲).

گونه‌شناسی، سیماشناسی و موضع‌شناسی همراه باهم زبان معماری را تشکیل می‌دهند. گستره‌ی زبان معماری در کل ترجمان فضاوندی زیست جهان در فرم ساخته شده است. این ترجمان از طریق روند گرد هم آوردن رخ می‌دهد. یک ساختمان، هم چون یک چیز، «عالم را گرد هم می‌آورد» (شولتز، ۱۳۸۲: ۱۱۲).

### ۳-۳-۶- زبان الگو

#### ۳-۳-۶-۱- گونه شناسی

"گونه شناسی" یا "تیپولوژی" خود را با تجلیات شیوه‌های سکونت درگیر می‌سازد. مفهوم لغوی این واژه گویای آن است که مکان‌ها گردآورنده‌ی تعداد بیشماری از موضوعات دارای اختلافات بنیادی نبوده، بلکه به جهانی سرشار از هویت‌های واجد معنی شکل می‌بخشد. معماری به واسطه‌ی چگونه ایستادن بین زمین و آسمان در این چشم اندازهاست که جهانی را به حضور آورده و معنا می‌بخشد (جدول ۱) (پرتوی و باقریان، ۱۳۹۵: ۲۳).

#### ۳-۳-۶-۲- موضع شناسی

"موضع‌شناسی" یا "مکان‌شناسی" که از آن به "تیپولوژی" هم نام برده‌اند، با نظام فضایی در ارتباط بوده و متضمن تهیه‌ی مکان برای نهادهاست در آثار منفرد معماری در قالب «آرایش فضایی» انسجام می‌یابد. آرایش فضایی خود را در نحوه‌ی آمیزش زمین و آسمان و در قالب چهار چشم انداز (کیهانی، کلاسیک، رمانتیک و ترکیبی) به دست می‌دهد که هر کدام از آن‌ها به عنوان منظر، از روح مکان متفاوتی برخوردارند (جدول ۲).

این چشم اندازها براساس مقوله‌های چیز، نظم، خصلت، نور و زمان فهمیده می‌شوند. "چیز" و "خصلت" بعدها‌ی زمینی هستند در حالی که "نظم" و "نور" به واسطه‌ی آسمان معنی می‌یابند. "زمان" بعد ثبات و تغییر بوده و فضا



جدول ۲. آرایش فضایی مکان بر اساس نحوه ارتباط زمین و آسمان. مأخذ: نگارندگان

چشم انداز مرکب	چشم انداز کلاسیک	چشم انداز کیهانی	چشم انداز رومانتیک		ویژگی ها	بدهای زمینی	بدهای آسمان
			باز	نظم			
- ترکیبی متنوع از چشم اندازهای کلاسیک، کیهانی و رومانتیک	- انسان خود را در "میان" ای هماهنگ می یابد و می تواند هم به "برون" و هم به "درون" راه یابد.	- حضور خداوند پررنگ می باشد / باغ یا "پردیس" محصور (نمادی از بهشت) به هدف آرمانی تبدیل می شود.	- بایشیدن به معنای برخاستن از سطح خرد به کلان / نیروهای زمینی بی درنگ موجودند در حالی که خداوند پنهان است.	- جنگل - خرده ساختارهای غنی - بستر زمین بندرت پیوسته است - آب همواره حاضر است (جوی های جاری و برکه های درخشان) - تعدد و چندگانگی	- نحوه آمیزش آسمان و زمین - عناصر طبیعی عینی - کوه / درخت / آب / صخره ها / گیاهان	باز	خصیصات
	- ترکیب روشن و ادراک پذیر از عناصر مجزا و مشخص - تپه ها و کوه های معین - جهان های منفرد - بستر زمین همزمان پیوسته و متنوع و آسمان رفیع و فراگیر است	- بیابانی (گسترش نامحدود زمین) - هوای خشک و گرم - فاقد مکان های مشخص و ویژه - ایجاد مکان صمیمی در درون کلان جهان کیهانی - یکنواختی چشم انداز	- عدم ایجاد پایگاه وجودی در بیابان - انسان با "نیروهای" متنوع طبیعت مواجه نمی شود - برای ساکنان بیابان روح مکان ظهور امر مطلق است	- عدم ایجاد پایگاه وجودی در بیابان - انسان با "نیروهای" متنوع طبیعت مواجه نمی شود - برای ساکنان بیابان روح مکان ظهور امر مطلق است	- خصیصه های بنیادین انسانی - شخصیت قابل تصور (جو عمومی مکان) - مرتبط ساختن خصیصه های طبیعی و انسانی به یکدیگر (تلفیق انسان و طبیعت)		
	- یک خرده ساختار حقیقی وجود ندارد - تمام ابعاد "انسانی اند" و تعادل فراگیر و هماهنگی را تشکیل می دهند - نظام معنادر از مکان های مشخص و منفرد - پیوند انسان و طبیعت همچون "شریک" (بواسطه کشاورزی)	- عدم ایجاد پایگاه وجودی در بیابان - انسان با "نیروهای" متنوع طبیعت مواجه نمی شود - برای ساکنان بیابان روح مکان ظهور امر مطلق است	- آسمان به شکل تاق عظیم و بدون ابر - محیط دارای نظم مطلق و جاودان - مسیر خورشید در نصف النهار دقیق - چهار جهت اصلی براساس مسیر خورشید - آسمان به واسطه خورشید ساختار می یابد	- آسمان به سختی به شکل نیم کره تجربه می شود - فقدان نظام یکپارچی ساز کلی وجود دارد	- انتزاع یک نظم کیهانی - ریشه دار - مسیر خورشید - چهار جهت اصلی - ساختار جغرافیایی محلی - تصویر عینی از جهان	نظم	بدهای آسمان
	- هوایی شفاف که به اشکال، حضور تندیس گونه وحدانتری می دهد - انسان با شناخت خود جهان را می شناسد	- آسمان به شکل تاق عظیم و بدون ابر - محیط دارای نظم مطلق و جاودان - مسیر خورشید در نصف النهار دقیق - چهار جهت اصلی براساس مسیر خورشید - آسمان به واسطه خورشید ساختار می یابد	- آسمان به سختی به شکل نیم کره تجربه می شود - فقدان نظام یکپارچی ساز کلی وجود دارد	- آسمان به سختی به شکل نیم کره تجربه می شود - فقدان نظام یکپارچی ساز کلی وجود دارد			
	- نوری قوی و کاملاً پراکنده - نور را بدون از دست دادن حضور عینی اش "دریافت می دارد"	- خورشید سوزان - نور بدون سایه - بازی "نور و سایه" - فروخته و همه چیز به حد سطح و خط فرو می کاهد	- آسمان به سختی به شکل نیم کره تجربه می شود - فقدان نظام یکپارچی ساز کلی وجود دارد	- آسمان به سختی به شکل نیم کره تجربه می شود - فقدان نظام یکپارچی ساز کلی وجود دارد	- انتزاع یک نظم کیهانی - ریشه دار - مسیر خورشید - چهار جهت اصلی - ساختار جغرافیایی محلی - تصویر عینی از جهان	نظم	بدهای آسمان
	- تداوم جهان و ساختار - بعد زمان ابهامی را ارائه نمی کند	- آسمان به سختی به شکل نیم کره تجربه می شود - فقدان نظام یکپارچی ساز کلی وجود دارد	- آسمان به سختی به شکل نیم کره تجربه می شود - فقدان نظام یکپارچی ساز کلی وجود دارد				
		- بازگرداندن انسان به گذشته های دور - تجربه به گونه ای احساسی	- بازگرداندن انسان به گذشته های دور - تجربه به گونه ای احساسی	- ضرباهنگ گذرا زندگی انسان و طبیعت - تغییر نمود مکان	زمان		

### ۷- مطالعات و بررسی ها

هورامان سرزمینی است بزرگ که قدمت زندگی در آن به هزاران سال می رسد و بخشی از آن در استان های کردستان و کرمانشاه ایران و بخشی دیگر در اقلیم







## ۱-۸- گونه شناسی

معماری هورامان تخت به صورت تک بنا و انفرادی قابل تعریف نیست بلکه در قالب توده و مجتمع واجد ارزش است، و این بر اساس مبانی اصولی و جهان بینی ناشی از راهنمایی‌ها و ارشادات پیرشان که بشدت با رفتارهای فردی و مطرح نمودن «منیت» افراد مبارزه کرده است، شکل گرفته است. زیرا در آیین او، می‌بایست «من»‌ها جدول ۳. آرایش فضایی مکان بر اساس نحوه‌ی ارتباط زمین و آسمان.

مأخذ: نگارندگان

تبدیل به «ما» بشوند و پیر شالیار هم چنین ایده‌ای را عملی کرده و به دفاع از آن برخاسته است (محمودپور، ۱۳۹۴: ۱۱۲). هایدگر هم بر «باهستن» تاکید داشت. یعنی من نمی‌توانم کسی باشم مگر این که عضو نسلی در تاریخ جامعه‌ای باشم. جهان من، در واقع، جهان ماست (احمدی، ۱۳۹۶: ۷۰۴). ساختن براساس چنین باورهایی به معنای اولویت دادن به نقش تک‌دانه‌ها (خانه) در کل مجموعه و

وی از مکان‌های مقدس هورامان تخت محسوب می‌شود (فدائی نژاد و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۴).

هورامان تخت یا «شهر پیرشالیار» در نتیجه تعاملی ناگسستگی با طبیعت (رشته کوه‌های زاگرس، رودخانه سیروان و چشمه‌ها، درختان ون، گردو، انار و انجیر و ...) و بر پایه‌ی اندیشه، خیال و خاطرات و در جهت رسیدن به رؤیای عبور از منیت و یکی شدن، (براساس ارشادات پیر) شکل گرفته است (تصویر ۷ و ۸). همچنان که از خصوصیات بومی و اجتماعی و فرهنگی مردم منطقه برمی‌آید خانه‌ها همچون اعضای یک خانواده که با یکدیگر یکدل و یک رنگ هستند به هم ملحق شده‌اند تا خانواده‌ای بزرگتر و واحد را



تصویر ۷. تصویر هوایی هورامان، کوه، رودخانه، باغات و هوارها .  
مأخذ: نگارندگان

تشکیل دهند (خدادادی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۳۹).



تصویر ۸. پیوند طبیعت و دست ساخته‌های مردمان هورامان. مأخذ: نگارندگان

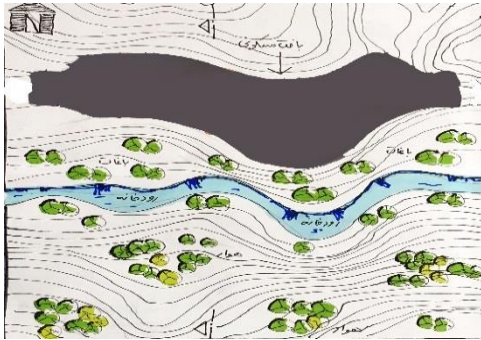
برپایی سالانه مراسمات عروسی پیرشالیار<sup>۵</sup> (نماد زایش و نویددهنده زنده شدن دوباره) در اواسط زمستان و کومسای<sup>۶</sup> (نماد تعامل و ...) در اواسط بهار، جایگاه ویژه‌ای در زیست-جهان مردمان این خطه دارد.

## ۸- یافته‌های تحقیق

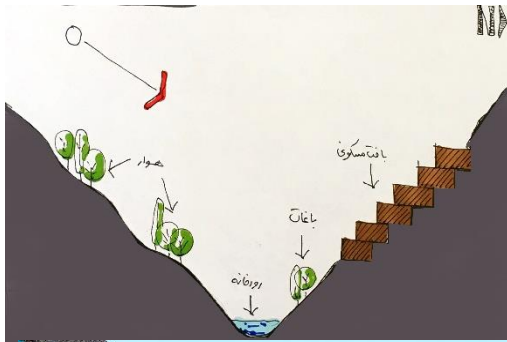
ویژگی‌ها		
۱- وجود رشته کوه های خشن و صعب العبور زاگرس - رودخانه سیروان - درختان گردو، انار، انجیر، ون و ... - بستر زمین پیوسته ولی متنوع و دارای پستی و بلندی‌های زیاد - آسمان غالباً صاف و آبی - هوای سرد و معتدل	۱.	بعدهای زمینی
- یکی شدن خانه ها همانند یک توده کامل - در هم تنیدگی سکونتگاه ها با کوه و جای گرفتن در درون آن - گرد هم آمدن چار گانه در قلب پیوندی عمیق بین انسان، زمین و آسمان و باورهای دینی (مراسمات سالیانه عروسی پیرشالیار و کومسای) - ادغام با، حیاط و معبر درهم	۲.	خصیلت
- نظام استقرار در ارتباطی عمیق با نظم آسمان و طبیعت شکل گرفته است. - دره و رودخانه در محور شرقی - غربی قرار گرفته‌اند و خانه ها و هوارها بر محور شمال - جنوب - شکل گیری خانه ها در کنار هم در جهت یکی شدن صورت می‌گیرد.	۳.	بعدهای آسمان
- خورشید (آسمان) نقشی اساسی در نحوه‌ی استقرارخانه‌ها (شرق و جنوب) دارد.	۴.	
- وجود زمان‌های مقدس، نیمه زمستان ( انجام مراسم سالیانه عروسی پیر شالیار) و نیمه بهار ( انجام مراسم کومسای) - تداعی گذشته های دور در قالب زنده نگه داشتن خاطرات		زمان



کیفیت عمومی خانه‌ها عبارت است از چسبندگی و نفوذ به درون زمین که در میان اشکال سرکش کوهستان احساسی دال بر امنیت و اعتماد به نفس را در ناظر بر



تصویر ۹. الگوی کلی نحوه‌ی استقرار بافت، کوه، رودخانه، باغات و هوارها در سایت. ماخذ: نگارندگان



تصویر ۱۱. الگوی بام - حیاط - معبر به عنوان محل انجام مراسمات. ماخذ: نگارندگان

می‌انگیزد و به قول باشلار خانه در پناه کوه نشسته است، گویی کوه‌ها آن را در برگرفته‌اند (باشلار، ۱۳۹۲: ۷۹).

برای ساخته شدن خانه‌ها بایستی کوه‌سنگی را کنده و ضمن پدیدار شدن کف خانه و بخشی از دیوارهای شمالی، اجزای کوه را که به صورت سنگ‌های لایه‌لایه است در

مجموع می‌باشد. این شیوه معماری یک کل یکپارچه است که در آن دانه‌های معماری در ارتباط با هم کار می‌کنند. سقف یک خانه ممکن است حیاط خانه بالایی و یا بخشی از گذر شهر باشد و یا حتی یک مرکز محله باشد.

در زمان برگزاری مراسم‌های آیینی پشت بام خانه‌ها در ارتباط با هم در شهر نقش یک فضای عمومی را ایفا می‌کنند (تصویر ۱۱). این الگوی معماری خلاق، شیوه‌ای از زندگی اجتماعی در ارتباط با هم را نیز شکل داده است (جدول ۳) (فدائی نژاد و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۳).

جایگاه و نقش بام خانه‌ها به عنوان معبر عمومی، حیاط خانه بالایی و محل تعاملات اجتماعی، سبب شده تا پدیده‌ای نادر در معماری این خطه ظهور کند، الگوی «بام - حیاط - معبر»، پذیرفتن نقشی مهم‌تر مانند حیاط و معبر در مجتمع توسط سقف یک واحد مسکونی است.

## ۲-۸- موضع شناسی

آرایش فضایی هورامان در قالب توده‌ای از خانه‌ها که در نتیجه یکی شدن آن‌ها براساس جهان بینی خاص مردمان هورامان که از آموزه‌های پیر شالیار نشات می‌گیرد، همانند دانه‌های تسبیح به صورت خطی و پلکانی با مرکزیت خانه پیرشالیار بعنوان مکان مقدس (دریایی، ۱۳۸۸) به دور کوه و رو به جنوب و آفتاب و راستای شرقی-غربی (مسیر رودخانه سیروان و رشته کوه‌ها) روح مکان منحصری را خلق کرده و چشم‌اندازی رومانتیک را تداعی می‌کند (تصویر ۹ و ۱۰).

## ۳-۸- سیماشناسی

هورامان تخت مجموعه‌ای از خانه‌هایی است که همگی بعنوان عضوی از یک خانواده محسوب شده و در قالب شکل مصنوع و نوع استقرار در زمین و برخاستن رو به آسمان، پیوندی آشکار و ناگسستنی با دورنمای طبیعی را به نمایش می‌گذارد. پیوند شکل مصنوع با محیط طبیعی در شیوه ساخت و استقرار خانه‌ها اتفاق می‌افتد.



و پذیرش آسمان و در اجتماع پذیرش و پیوند با اسطوره‌ها و مقدسات حقیقت مکان را آشکار کرده و حجاب را از چهره آن برمی‌گشاید و انسان را به اندیشیدن وامی‌دارد.

در پاسخ به پرسش دوم، می‌توان گفت معماری هورامان تخت، صورت ویژه‌ای از تصویر جهان است، تصویری از محیط که زندگی در آن «روی می‌دهد» را نه به شکل انتزاعی بلکه در پیکربندی شاعرانه و قابل دریافت حاضر می‌سازد. جهان مردمان هورامان، خود را در شیوه‌ی ساخت و وظیفه بنا در بروز چهارگانه و یکی‌کردن آن‌ها نشان می‌دهد. بارزترین نمود آن در بام‌های هورامان تخت می‌باشد، جایی که ضمن ایجاد سرپناه، معبری برای حرکت و رسیدن به مقصد بوده و همچنین فضایی برای برپایی مراسمات و جشن‌های مذهبی و ارتباط زمین و زمینیان با آسمان و آسمانیان می‌باشد. خانه‌ها در کنار هم و به دور کوه و رو به آسمان، با حفاظتی ناب از زمین ساخته می‌شوند، ساختنی که خود گویی کوه را سامان داده و آسمان را در دل آن پذیرا می‌شوند.

بدیهی است مکان و جهان حاضر در آن، به واسطه انسان و نحوه‌ی زندگی او شکل کامل خود را پیدا می‌کند، موضوعی که می‌تواند به عنوان پژوهش‌های تکمیلی مورد بررسی قرارگیرد.

#### ۱۰- تقدیر و تشکر

از طرف نویسندگان موردی اعلام نشده است

#### ۱۱- پی‌نوشت‌ها

۱- Men – in – the world

۲- Being – in – the - world

۳- Dasin

۴- پیر در فرهنگ کردی - فارسی (هه نپانه بورینه) استاد هزار به معنای پیر و مرشد آمده و شالیار هم به معنای شهریار و همدم شاه معنی شده است. پیرشالیار، اسطوره‌ای عظیم در اذهان مردم هورامان می‌باشد. پیری که سمبل پاکی، راستی، صداقت و نیکو کرداری است. پیرشالیار سالها سمبل، اسطوره، الگو و آرزوی مردمان این خطه بوده است. شخصیتی که در نظر آنان شاعر، حکیم و شفابخش و ... بوده است. مردم هورامان معتقدند که پیرشالیار به مرحله فراتر رفتن ازمنیت

قالب دیوارهای کناری به صورت خشکه چینی برپاداشت. بناکردن دیوارها موجب نمایان شدن شکل مصنوع (خانه) می‌شود. پیوند زمین و آسمان در قاب پنجره‌های آبی و سبز رنگ مورد توافق اجتماع هورامان که از فلسفه طبیعت‌گرایی آنان سرچشمه گرفته،(نماد آب و آسمان رنگ درختان و جنگل و طبیعت است)(معماریان و همکاران، ۱۳۹۳)، در دیوارهای رو به جنوب و شرق شکل می‌گیرد. بازشوها رو به طبیعت و هوارها باز شده و ارتباط درون و برون را به بهترین شکل ممکن میسر می‌سازد به نحوی که گویی طبیعت به داخل خانه آمده و مرزی بین آن‌ها وجود ندارد.

سقف‌خانه‌ها به صورت تخت با استفاده از چوب و کاه‌گل پوشیده شده و شکل مصنوع تکمیل می‌گردد. بام‌ها نقش‌های مهمتری از جمله معبر عمومی و حیاط خانه‌های دیگر و محل انجام مراسمات عمومی را ایفا می‌کنند. خانه‌ها به صورت دانه‌های نمادین در کنار هم به دور کوه و در مسیر خورشید دست در دست هم همانند رقص کردی که نمادی از وحدت و هماهنگی و براساس رعایت احترام به یکدیگر و بدور از منیت به صورت مجموعه‌ای هماهنگ با هم و طبیعت شکل گرفته است.

#### ۹- نتیجه تحقیق

با توجه به مطالعات انجام گرفته در این مقاله می‌توان پاسخ به پرسش‌های اصلی تحقیق را به عنوان نتیجه‌گیری مباحث ارائه کرد:

در جواب پرسش نخست می‌توان گفت که هورامان تخت، مکانی مقدس است که مفهوم خود را از آسمان گرفته و بر زمین می‌نشانند. مکان هورامان، عالمی را با گردآوری زمین، آسمان، زمینیان و آسمانیان به ظهور می‌رساند. زمین با حرکت به سمت بالا در حال نزدیک شدن به آسمان و یکی شدن با آن است، زمینیان هم به تبع از زمین، ضمن یکی شدن و تعامل با همدیگر براساس تفکرات فلسفی حاکم بر جامعه (فلسفه پیر شالیار)، پیوندی ناگسستگی با آسمان و آسمانیان برقرار نموده‌اند و با یگانگی این چهارگانه مکانی تمثیلی و مقدس را برای باشیدن و زندگی کردن پدیدار می‌نمایند. مکان هورامان با حفاظت از زمین



## ۱۲- منابع فارسی و لاتین

- احمدی، بابک. ۱۳۷۷. مدرنیته و اندیشه های انتقادی. تهران: مرکز.
- احمدی، بابک. ۱۳۹۶. هایدگر و تاریخ هستی. تهران: مرکز.
- اردلان، نادر و لاله بختیار. ۱۳۹۶. حس وحدت، نقش سنت عرفانی در معماری ایرانی. ترجمه: جلیلی، ونداد. تهران: انتشارات علم معمار.
- الکساندر، کریستوفر. ۱۳۸۲. معماری و راز جاودانگی، ترجمه: مهرداد قیومی بیدهندی. تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- الکساندر، کریستوفر. ۱۳۹۴. سرشت نظم (جلد اول) ترجمه: رضا سیروس صبری. تهران: انتشارات پرهام نقش.
- امامی کوپائی، سمانه؛ نوروز برازجانی، ویدا و صافیان، محمد جواد: ۱۳۹۷. پدیدارشناسی، پاسخی به مسأله روش در فهم چیستی معماری (پیشامدرن سنتی). مجله باغ نظر، ۱۵ (۶۵): ۱۳-۲۴.
- باشلار، گاستون. ۱۳۹۲. بوطیقای فضا. ترجمه‌ی: کمالی، مریم و شیرینچه، مسعود. تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی. ۱۳۹۱. اورامان تخت: یادگاری از گذشته، میراثی برای آینده. تهران: انتشارات بنیاد مسکن.
- پرتوی، پروین و باقریان، محمداصبر. ۱۳۹۵. بررسی مقایسه‌ای- تطبیقی معنای مرکز در آراء مکتب اصفهان و اندیشه هایدگر. مجله باغ نظر، ۱۴ (۴۸): ۱۷-۳۰.
- پرتوی، پروین. ۱۳۹۲. پدیدارشناسی مکان. تهران: موسسه تألیف، ترجمه و نشر آثار هنری «متن».
- پورجعفر، محمدرضا؛ صادقی، علیرضا و یوسفی، زاهد. ۱۳۸۸. بازشناسی اثر معنا در جاودانگی مکان نمونه موردی: روستای هورامان تخت کردستان. فصلنامه مسکن و محیط روستا، ۲۸ (۱۲۵): ۱۷-۲.
- تسومتور، پتر. ۱۳۹۴. رهیافت پدیدارشناسی در اندیشه- ی پیتر زومتور. ترجمه و گردآوری: مرتضی نیک

و درک والای عرفان رسیده بوده است. آنان معتقدند که پیر با به زبان آوردن کلمه "من" و تکرار این کلمه مخالف بوده است، و این همان فلسفه پیرشالیار است. هورامان تخت زادگاه و محل فوت پیر، هر ساله در دو مقطع زمانی مختلف (اواسط فصل زمستان و بهار) پذیرای هزاران نفر برای اجرای مراسم عروسی پیر و کومسای می باشد. برای مطالعه بیشتر رجوع شود به کتاب پیر شالیار، ۱۳۹۴

۵- مراسم عروسی پیرشالیار در نیمه بهمن ماه هر سال و در سه مرحله برگزار می شود. آغاز مراسم روز چهارشنبه است. بامداد روز نخست غذایی دسته جمعی در روستا پخته و بین ساکنین تقسیم می‌شود. نیمروز روز دوم گروه‌های دف زن شروع به دف زنی می‌کنند و نوجوانان، جوانان و پیران دست در دست هم زنجیره‌ای بزرگ را تشکیل داده و حرکات موزون دسته جمعی را آغاز می‌کنند و با حرکتی نمادین همبستگی همیشگی خود را به نمایش می‌گذارند. در هنگام رقص، افرادی نیز قصیده‌هایی از بر می‌خوانند و گروه بزرگ رقص هم لفظ جلاله «الله» را زمزمه می‌کنند. در روز پایانی نیز مردم تا شب به رقص می‌پردازند و ساعاتی از شب را که به آن شب نشست می‌گویند، در خانه پیر شالیار می‌گذرانند.

۶- مراسم کومسای در پانزدهم اردیبهشت ماه هر سال در جوار مزار و چله خانه پیر شالیار برگزار می‌گردد. واژه "کومسای" در زبان هورامی از دو کلمه "کو" به معنی جمع شدن و مجمع و "مسای" به معنی یادگیری تشکیل شده و می‌توان معنای مجمع یادگیری و یادآوری را از آن استخراج کرد. در مورد اصل مراسم و چگونگی برگزاری آن در فرهنگ هورامان چنین آمده که با توجه به وضعیت خاص منطقه و فرهنگ قوی تعاون و همزیستی نشأت گرفته از طبیعت سخت هورامان و فرهنگ کوچ نشینی و هوار نشینی فصلی (که هنوز هم متداول است) هر ساله در اواسط فصل بهار مردم روستا را ترک کرده و به هوارهای دور و نزدیک منطقه کوچ می‌کردند و حداقل ۶ ماه از فصول سال را از همدیگر دور بودند و قبل از کوچ و جدا شدن از همدیگر در جلسه ای به دور هم جمع شده و امورات و سمت‌های ضروری جامعه مانند کدخدا، چوپان، آبدار باغات، نگهبان روستا و ... را بین خود تقسیم می‌کردند. در کنار این مراسم مردم تکه‌هایی از سنگ کومسای را جهت تبرک و شفا و افزایش شیر دام ها، کنده و با خود می‌برند به اعتقاد مردم این سنگ مقدس بار دیگر در طول سال رویداده و رشد می‌کند و به شکل و اندازه اول خود باز می‌گردد.

۷- هوارها به بیلاقات اطراف روستا که در فصل بهار به آنجا کوچ می‌کنند گفته میشود.





- فطرت، سیده صدیقه میرگذارلنگرودی. تهران: علم معمارروبیال.
- تومیلی، رابرت. ۱۳۹۶. لویی کان متون اصلی. ترجمه: محمدرضا رحیم زاده؛ مهنام نجفی و سیده میترا هاشمی. تهران: نشر علمی.
- جمادی، سیاوش. ۱۳۸۵. زمینه و زمانه پدیدارشناسی. تهران: نشر ققنوس.
- حمه جانی، یوسف؛ بایزیدی، قادر و سبحانی، جلیل. ۱۳۹۶. مطالعه کیفی دلالت‌های معنایی معماری هورامان تخت از منظر نشانه شناسی. مجله باغ نظر، ۱۴ (۵۷): ۴۵-۶۲.
- خدادادی، محمدرضا؛ گرکانی، سیدامیرحسین؛ کریمی‌ان اقبال، جواد. ۱۳۹۴. گونه شناسی مسکن روستایی استان کردستان. تهران: بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
- دریایی، نسیم. ۱۳۸۸. روستای هورامان تخت نسبت کالبد روستا با بستر جغرافیایی و فرهنگی آن، پایان نامه کارشناسی ارشد؛ دانشکده معماری و شهرسازی، گروه تاریخ معماری و مرمت، دانشگاه شهید بهشتی.
- شاهچراغی، آزاده و بندرآباد، علیرضا. ۱۳۹۴. محاط در محیط: کاربرد روان شناسی محیطی در معماری و شهر سازی. تهران: سازمان جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.
- شرفکندی، عبدالرحمن (هه‌زار). ۱۳۸۱. فرهنگ کردی - فارسی (هه بنانه بورینه). تهران: انتشارات سروش.
- صافیان، محمد جواد و انصاری، مانده. ۱۳۹۳. بررسی شرایط امکان تحقق حقیقت مکان و سکنی گزیدن. مجله پژوهش‌های هستی‌شناختی، ۳(۶): ۷۶-۵۷.
- طهوری، نیر. ۱۳۹۶. آموختن از هایدگر: پدیدارشناسی در معماری تأثیر فلسفه هایدگر در نظریه پردازی معماری: هویت مکان در نظریات کریستین نوربرگ شولتس و کریستوفر الکساندر.
- فدائی‌نژاد بهرام‌مجددی، سمیه؛ حناچی، پیروز؛ رضانی، لاله و نظام، مهدیار. ۱۳۹۶. بازشناسی مفهوم ارزش در حفاظت منظر فرهنگی هورامان تخت. فصلنامه پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، ۷(۱): ۳۱-۵۰.
- گروت، لیندا و وانگ، دیوید. ۱۳۹۲. روش‌های تحقیق در معماری. ترجمه: علیرضا عینی فر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران
- محمودپور، رئوف. ۱۳۹۴. پیرشالیار و جشن باستانی پیر در هورامان. تهران: نشر احسان.
- محمودی، محمد. ۱۳۹۵. فرهنگ جغرافیایی هورامان. سنج: انتشارات کردستان.
- معاریان، غلامحسین؛ عظیمی، سیروان و کیودی، مهدی. ۱۳۹۳. ریشه‌یابی کاربری رنگ آبی در پنجره‌های ابنیه مسکونی (نمونه موردی ابنیه مسکونی اورامان). فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، ۱(۳): ۴۶-۵۹.
- نوربرگ شولتز، کریستیان. ۱۳۸۱. مفهوم سکونت: به سوی معماری تمثیلی. ترجمه محمود امیریاراحمدی. تهران: نشر آگه.
- نوربرگ شولتز، کریستیان. ۱۳۸۲. معماری: معنا و مکان. ترجمه ویدا نوروز برازجانی. تهران: نشر جان جهان.
- نوربرگ شولتز، کریستیان. ۱۳۸۸. روح مکان به سوی پدیدارشناسی معماری. ترجمه: محمد رضا شیرازی. تهران: رخ دادنو.
- نوربرگ شولتز، کریستیان. ۱۳۹۱. معماری: حضور، زبان و مکان. ترجمه: علیرضا سید احمدیان. تهران: انتشارات نیلوفر.
- نوربرگ شولتز، کریستیان. ۱۳۹۳. معنا در معماری غرب. ترجمه: مهرداد قیومی بیدهندی. تهران: موسسه ترجمه و نشر آثار هنری «متن».
- هایدگر، مارتین. ۱۳۷۷. هرمنوتیک مدرن، مقاله‌ی ساختن باشیدن اندیشیدن. ترجمه‌ی بابک احمدی، مهران مهاجر و محمد نبوی. تهران: نشر مرکز.
- هایدگر، مارتین. ۱۳۸۱. شعر زبان و اندیشه‌ی رهایی: هفت مقاله از مارتین هایدگر، همراه با زندگینامه‌ی تصویری هایدگر. ترجمه عباس منوچهری. تهران: نشر مولی.
- Seamon, D. (2017), Architecture, Place, and Phenomenology: Buildings as Lifeworlds, Atmospheres, and Environmental Wholes, a chapter in Janet Donohoe (ed.), *Phenomenology and Place* (pp. 247-263). Lanham, MD: Roman and Littlefield.

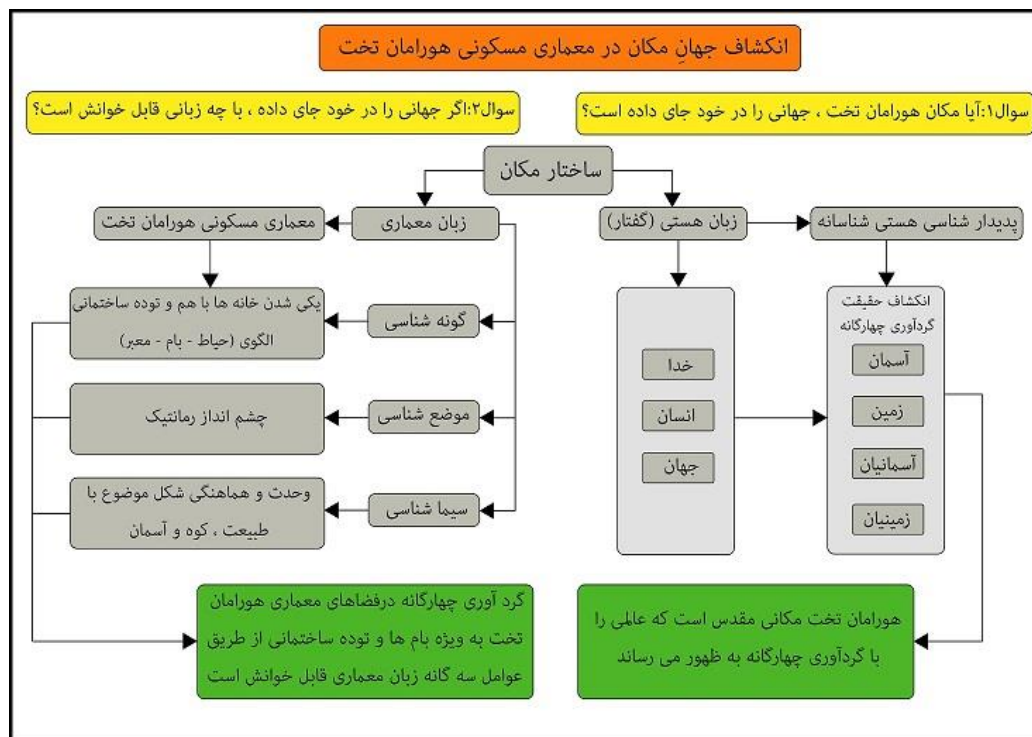


*Behavior Research* (pp. 157-78).  
New York: Plenum

- Seamon, D. (2013), Lived bodies, place, and phenomenology: implication for human rights and environmental justice, *Journal of human rights and environment*, 4(2):143-166.

- Heidegger, Martin; (1971), "Building Dwelling Thinking" in: *Poetry, Language, Thought*; trans. Albert Hofstadter; New York, Harper & Row.
- Seamon, D. (2000). A Way of Seeing People and Place: Phenomenology in Environment-Behavior Research. In S. Wapner, J. Demick, T. Yamamoto, and H Minami (Eds.), *Theoretical Perspectives in Environment-*

### ۱۳- چکیده تصویری





## The discovering of the place's world in the residential architecture of the Hawraman Takht (from the ontological perspective)

Amir Kakhodamohammadi<sup>1</sup>, Fariborz Dolatabadi<sup>2</sup>, Hadi Kaboli<sup>3</sup>

Submitted:

2019-10-16

Accepted:

2020-05-08

### Abstract

Humans for being, as Heidegger's interpretation of the dwelling, should take action and build, and with this act (structure), he depicts the world in the form of the place and makes it a structure. Dwelling between the heavens and the earth is "settle" in "between diverse", meaning is the objectivity of the public status of as of human structure. Based on Heidegger's thoughts, human existence can be significant when humans are able to develop the world in the form of real quality (quadrature) in the place, and to take the environment in such a situation that has gained real dwelling. Architecture is the expression of human intentions of existence in this world. Christian Norberg -Schulz believes that in order to reveal the world of work, a harmonious structure is created between the architectural language of the architectural tools and the Speech language of the habitat of existence. In his view, if we define architectural tools as "language of architecture", we mean something beyond superficial allegories. Speech language has a common underlying structure, which, according to Heidegger, is "the habitation of being." This habitat has the capacity to express various facets of the world's life. The world's life must be implemented and realized in the language of architecture. Typology, morphology and topology, together constitute the architectural language.

This article is in the realm of Heidegger phenomenological viewpoints (from the ontological perspective). This view provides a deeper insight into the truth of the place. He believes that there is a human being in place, and if we devalue the place, it means we've got existence from him. In Heidegger's view, phenomenology is a way of questioning and thinking about the existence and everything that is in front of our eyes. "In phenomenology, neither man is abstractly examined, nor is the world, rather, the main focus on Men – in – the world. Being – in – the - world the central feature of human existence is the confirmation of the fact that everything that exists is environmental". This research viewpoint is two methodologically, qualitative and interpretative-historical domains. The qualitative approach is rooted in interpretive and critical paradigms. Qualitative researchers believe that the world has no separate being from the individual and their main purpose is to understand the meaning that people give to their daily lives. The field of interpretation has been in the "constructivist" paradigm Based on interpretation and understanding. Heidegger saw understanding as an aspect of the ontological context that has a historical and ultrahistorical origin. This origin, as a pre-understanding, shapes any understanding we have today. The main subject of this study is the possibility of achieving the authentic truth of place and being in the form of the world discovering in a Hawraman Takht residential architecture. It seems that Hawraman Takht is a holy place that takes its meaning from heaven and places it on the earth and by making and creating a place, makes us ponder about the world of the people of Hawraman Takht (earth, heavens, mortals and divinities). It is a special form of the image of the world, presenting an image of the environment in which life "takes place" not in an abstract but in a poetic and conceivable configuration. The findings of this research can provide a field of transformation in today's structures and the preparation of the truth of location in the direction of actual and the creation of meaning.

**Keyword:** Phenomenology, residential architecture of the Hawraman Takht, Ontology, Place, world, quadrature

<sup>1</sup> Ph. D. Candidate, Department of Architecture and Urbanism, West Tehran Branch, Islamic Azad University, West Tehran Branch Iran, Tehran, Iran

<sup>2</sup> Assistant Professor, Department of Architecture and Urbanism, West Tehran Branch, Islamic Azad University, West Tehran Branch Iran, Tehran, Iran

<sup>3</sup> Assistant Professor Department of Architecture and Urbanism, Damavand Branch, Islamic Azad University, Damavand Iran